بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[اشکال وجود معارض برای روایات 2](#_Toc425164518)

[پاسخ این اشکال 2](#_Toc425164519)

[پاسخ آیت‌الله فاضل 3](#_Toc425164520)

[درباره الغای خصوصیت، باید گفت که؛ 3](#_Toc425164521)

[توهمی در تفاوت حرز و پاسخ آن 3](#_Toc425164522)

## اشکال وجود معارض برای روایات

اشکال ششمی، به روایات گفته شده، وارد است که؛ این روایات، دارای معارض است و به خاطر تعارض، از اعتبار، ساقط می‌شود.

معارض در همین باب، حدیث اسحاق بن عمار است که؛

**رَوَی إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع «فِی رَجُلٍ سَرَقَ مِنْ بُسْتَانٍ عِذْقاً قِیمَتُهُ دِرْهَمَانِ قَالَ یقْطَعُ بِهِ»‌ [[1]](#footnote-1)**

کسی از باغی، به قیمت دو درهم، دزدی کرد، در این صورت، حکم او چگونه است؟ امام، می‌فرماید؛ یقطع به، اینجا قطع ید، ثابت است و حد سرقت، جاری می‌شود. این روایت، معارض روایات دیگر است، علتش این است که؛ در این مورد، فرض شده که از بستانی، چیزی دزدیده شده است و ظاهرش، مواردی که حرز دارد نیز، می‌شود.

بنابراین، از یک طرف، روایات می‌گوید؛ میوه‌ای که، قبل از چیدن، در حرز باشد، قطع ید ندارد، از یک طرف گفته می‌شود؛ قطع ید دارد. پس از تعارض، تساقط می‌شود و به قواعد اولیه، رجوع می‌کنیم، که بیان شد؛ قاعده کلی، این‌گونه است که؛ هر مالی در حرز باشد، اگر دزدیده شد، قطع ید جاری خواهد شد.

## پاسخ این اشکال

این اشکال، به چند نوع، پاسخ داده شده است؛ یک پاسخ آن، بر می‌گردد به این‌که؛ این روایت، سند معتبری ندارد.

دقت شود؛ این روایت، در من لا یحضره الفقیه، آمده و مرحوم صدوق (ره)، آن را نقل کرده‌اند. و اصولاً در کافی، هر روایت، سندش ذکر شده است، اما این روال، در سه کتاب دیگر، مشاهده نمی‌شود؛ یعنی، در روایاتی که سند مشترک، داشته است، آن قسمت مشترک، در تعداد زیادی از روایات، انداخته می‌شود و اختصاراً، در پایان گفته می‌شود که؛ مثلاً، هرچه در کتاب، از اسحاق بن عمار، نقل شده است، پس این موارد از سندها، به او برمی‌گردد.

در مورد این روایت نیز، وقتی به آخر کتاب مرحوم صدوق (ره) نگاه می‌شود، ضعف در سند روایت گفته شده، قابل‌مشاهده است.

این، اشکال واردی است، چراکه تنها، برخی از چند روایت بیان شده، معتبر است.

## پاسخ آیت‌الله فاضل

اما، در پاسخ به این اشکال، حضرت آقای فاضل، در تفصیل الشریعه آوردند؛ موضوع این روایت، خارج از بحث ماست، یعنی؛ موضوع آن روایات، مربوط به یک امر و موضوع این روایت، مربوط به امر دیگری است، و تعارض، آنجایی است که؛ روی موضوع واحد، دو حکم متضاد بیان شود.

آن روایات، در مورد ثمره، میوه و زرعی است که، چیده نشده و در حرز است. ولی، این مربوط به شاخ و برگ درخت است، نه میوه آن. این پاسخ، در کتب جواهر و ... بوده، ولی، ظاهراً به این شکل، این جواب را نمی‌پذیرفتند، و معتقد بودند که؛ این روایت، با آن‌ها معارض است، یعنی این جواب؛ دارای مناقشه است.

به این دلیل که؛ اولاً، در اینجا، می‌توان الغای خصوصیت نمود؛ یعنی فرقی بین خود میوه و شاخ و برگ آن نیست، و با الغای خصوصیت، موضوع‌ها مشترک می‌شود.

و ثانیاً، خود عذق، اطلاق دارد، این روایت، هر دو صورت را می‌گیرد؛ هم آنجایی که، عذق مجرد است، هم عذقی که روی آن، میوه هست ودزد، میوه را هم برده است.

##  درباره الغای خصوصیت، باید گفت که؛

در اینجا، الغای خصوصیت از جهت عرفی، جایی ندارد چراکه؛ شارع، نسبت به خود میوه که، یک امر خوردنی است، تسهیلی قائل شده است. پس، نمی‌شود گفت که؛ اگر راجع به درخت، گفت که؛ قطع می‌شود، شامل میوه آن هم می‌شود. درواقع، این قیاس است که هیچ ارزشی ندارد. این، در مورد اشکال اول بود.

و در قبال اشکال دوم، باید گفت؛ اطلاق گفته شده، چندان واضح نیست. ثانیاً، اگر اطلاق هم داشته باشد، خود این، مقید به آن روایات می‌شود.

## توهمی در تفاوت حرز و پاسخ آن

به نکته‌ای، در پایان باید اشاره نمود که؛

در بحث حرز، ممکن است توهم شود؛ حرز میوه با حرز درخت، فرق دارد؛ وقتی که میوه‌ای، از درخت چیده شده، حرزش به این است که؛ در جایی نگهداری شود. اما میوه‌ای که هنوز، روی درخت است، در این مورد، هرچند درخت، در حرز است، اما، معنایش این نیست که؛ میوه هم، در حرز است.

جواب این مطلب، این است که؛ عرفاً، وقتی که درخت، در باغ محصور بود، هم درخت و هم میوه‌های آن، در حرز است، الا در مواردی که درخت، در کنار باغ باشد، شاخ و برگ بزرگی، داشته باشد که از محدوده، بیرون آمده است.

1. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه؛ ج 10، ص: 209 [↑](#footnote-ref-1)